



گروه تاریخ مجله

ناشنوایان در کشورهای مختلف سمن‌های گوناگون ایجاد کرده و از این طریق فعالیت‌های خود را سامان داده‌اند. این تشکل‌ها عهده‌دار آموزش، تبلیغات اطلاع‌رسانی، خدمات رسانی، تفریح و گردش می‌باشند. مهم‌تر اینکه ناشنوایان از طریق سمن‌ها با یکدیگر مرتبط شده و به تبادل تجارب و تعاطی دانش و اطلاعات و بالاخره گفتگو پرداخته و بالمآل به هم‌افزایی و رشد رسیده‌اند. اما شناخت تشکل‌های ناشنوایی بخش مهمی از تحولات تاریخی این قشر است. بدون بررسی تشکل‌ها نمی‌توان به حقایق و واقعیت‌های آنان پی برد. از این‌رو تلاش کردیم تشکل‌های مهم ناشنوایان را در جهان معرفی کنیم. در هر کشور ده‌ها تشکل وجود دارد و آوردن همه آنها ممکن نیست. از این‌رو در این شماره فقط تشکل‌های ایرانی را معرفی می‌کنیم. سمن‌ها به ترتیب الفبا مرتب شده‌اند. اما اطلاعات کانون‌های ناشنوایان همه در یک جا جمع شده و در آخر آمده‌اند. نیز از تشکل‌های خارجی فقط فدراسیون جهانی ناشنوایان به دلیل اهمیت در این شماره آمده است.

معرفی سمن‌های ناشنوایان در ایران

انجمن اسلامی ناشنوایان اصفهان

در ۱۳۵۹، پنج تن از ناشنوایان اصفهان، با الهام‌گیری از فضایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمده بود، تصمیم به تأسیس انجمن گرفتند. آنها همراه با خانواده‌شان چند جلسه تشکیل دادند و درباره خط‌مشی، ساختار و دیگر ابعاد آن، بحث کردند و در نهایت، با همکاری مدیر کل سازمان بهزیستی وقت و مسئول مرکز شهید اژه‌ای، در سال ۱۳۶۲، انجمن اسلامی ناشنوایان اصفهان، شکل گرفت.

فعالیت‌های اولیه این انجمن، بیشتر در زمینه برگزاری کلاس‌های نهضت سوادآموزی و احکام اسلامی بود. با گذشت زمان، انجمن اسلامی، پاسخگوی نیازهای ناشنوایان نبود و تعطیل شد. پس از آن، به علت نیاز مبرم ناشنوایان به مؤسسه‌ای برای حل مشکلات خود و فشار آوردن ناشنوایان به سازمان بهزیستی و مدارس ناشنوایان، در نهایت، آقایان تربیت، سجادی‌فر، علوی و خانم مولایی تصمیم به تأسیس کانون ناشنوایان را گرفتند. این کانون، که در واقع، تداوم انجمن اسلامی ناشنوایان اصفهان و به گونه‌ای جانشین آن به شمار می‌آید، با مجوز سازمان بهزیستی در ۱۳۷۰ به طور رسمی شکل گرفت و آغاز به کار کرد.

انجمن جوانان ناشنوا

حضور و مشارکت جوانان در مسائل اجتماعی، بیانگر، پویایی جامعه است و با سلامت تک تک افراد جامعه در ارتباط است. این قاعده،

در ناشنوایان هم صادق است. دانش‌آموختگی دانشجویان و پایان یافتن تحصیلات دانش‌آموزان ناشنوا و عدم ارتباط آنها با جامعه و گوشه‌نشینی آنها و شرکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی، یکی از مشکلات بسیار مهم این قشر از جامعه بوده است. از این‌رو، عده‌ای از ناشنوایان اصفهان، با هدف زدودن این مشکل به تأسیس محلی مناسب برای اجتماع جوانان ناشنوا و راهنمایی آنها پس از تحصیل، مبادرت ورزیدند.

به دلیل غیردولتی بودن این تشکل بایسته است تا خود جوانان، اداره آن را برعهده بگیرند و استعداد‌های خود را نمایان سازند. کانون ناشنوایان استان، به عنوان تشکل غیردولتی ناشنوایان، عملکردی فعال در عرصه جوانان نداشت. البته، راهنمایی‌ها و اندرزهای پیشکسوتان امور ناشنوایان باعث شد که این انجمن با هدف ارتقای سطح آگاهی‌های ناشنوایان و مطرح کردن آنها در جامعه شکل گرفت.

با برگزاری انتخابات در مجمع عمومی انجمن جوانان در اسفند ماه ۱۳۸۰، اعضای هیئت مدیره انجمن برای مدیریت امور جوانان از سوی اکثریت جوانان، انتخاب شدند و با همکاری کانون ناشنوایان، زمینه فعالیت جوانان، فراهم شد و این همکاری تا پایان سال بعد، ادامه داشت که ناگاه، مسئولان کانون ناشنوایان، اعلام کردند که کانون با مشکل مکان مواجه شده و دیگر، جایی برای جوانان در این محل نیست.

منتخبان جوانان ناشنوا که با وجود مشکلات فراوان و حمایت اندک نهادهای دولتی و مردمی، عزم خود را جزم کرده بودند تا کارنامه قابل قبولی را از خود بر جای گذارند، انحلال انجمن را به معنای انزوای دوباره جوانان ناشنوا می‌دانستند؛ بنابراین با پی‌گیری مستمر و تلاش بسیار،



موفق شدند انجمن را برپا نگه دارند و با همکاری سازمان بهزیستی استان، توانستند ساختمانی برای فعالیت جوانان تهیه کنند و این بار، انجمن جوانان ناشنوا به صورت مستقل، فعالیت خود را آغاز کرد. امروزه این انجمن با نام جدید «انجمن جوانان مهر سخن»، در آستانه دریافت پروانه فعالیت و اعتبارنامه و ثبت است. مدیریت جدید انجمن، پس از برگزاری انتخاباتی در ۲۸ آذر ماه ۱۳۸۲، فعالیت خود را آغاز کرده است.

مدیریت: مدیریت کنونی این انجمن، برعهده خلیل رحیمی، دارای دیپلم نقشه‌کشی ساختمان است. وی متولد ۱۳۵۸ است و در ۱۳۶۸، به دلیل ابتلا به بیماری، شنوایی خود را از دست داد. انجمن جوانان مهر سخن، سازمان غیردولتی، غیرتجاری، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است و موضوع فعالیت آن عبارت است از: فعالیتهای فرهنگی ویژه جوانان، نظیر: تشکیل کلاسهای فوق برنامه، برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی و تفریحی، برگزاری مسابقات فرهنگی، برپایی مراسم ویژه در مناسبتها و اعیاد، و...، ایجاد محیط سالم و فرهنگی و برای جوانان ناشنوا برای گفت‌وگو با هم به زبان خودشان. این تشکل، پاسخی به این نیاز فکری و ذهنی است، که هدف آن، بالا بردن سطح فرهنگی و اجتماعی جوانان شنواست. اعضای شورای این انجمن، عبارت‌اند از: آقایان طالبی، رحیمی، عباسی، صفایی، تیموری، قندی و خانمها حفیظی‌راد، صبوری‌زاده و فتحی.

عضوگیری: انتخاب اعضا، مطابق ضوابط است و انجمن، پس از اعلام موجودیت، اساسنامه‌ای تدوین کرد که به تصویب هیئت مؤسس رسید و با تأیید سازمان ملی جوانان، برای عضویت در شورا، شرایطی لازم بود که نامزدها باید دارا می‌بودند، از جمله: عضو اصلی انجمن بودن، محدودیت سنی، داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، آشنایی با زبان اشاره و لب‌خوانی، که از تعداد ۲۴ نفر نامزد، نه نفر در مجمع عمومی، بیشترین آرا را برای دو سال فعالیت در شورای مرکزی (هیئت مدیره) کسب کردند.

همکاری با مراکز: اعضای اصلی این تشکل را منحصراً ناشنوایان تشکیل می‌دهند و این تشکل، مایل است با تشکلهای همسو و غیرهمسو، و نیز با افراد و انجمنها، همکاری و مراوده داشته باشد. این انجمن، امروزه در یکی از ساختمانهای بهزیستی مستقر است و هفته‌ای چند روز، برنامه دارد.

عملکرد دو ساله: در راستای اهداف یاد شده، کارنامه دو ساله انجمن به این شرح بوده است: تشکیل جلسات هفتگی منظم در زمینه مسائل اجتماعی، رفاهی و فرهنگی جوانان ناشنوا؛ برگزاری اردوهای یک یا چند روزه در استان اصفهان و سایر شهرها؛ برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان و جشن میلاد حضرت ولی عصر(عج) در مهر ماه ۱۳۸۲ در سینما فلسطین اصفهان؛ اهدای جوایز به تلاشگران و فعالان اجتماعی، فرهنگی، علمی و تحقیقاتی (جوانان ناشنوا)؛ برگزاری مراسم اعیاد شعبانیه و مناسبتهای اسلامی- مذهبی و ملی؛ تدریس مسائل شرعی و جلسات ختم قرآن در ماه مبارک رمضان؛ برپایی و حضور در سه نمایشگاه آثار

نوجوانان و کودکان ناشنوا (خرداد ۱۳۸۲)، نمایشگاه بین‌المللی جوانان (تبر ۱۳۸۲) و نمایشگاه دستاوردهای بانوان (مرداد ۱۳۸۲).

برای نخستین بار، کلاسهای گفتار درمانی در یک سازمان غیردولتی برای اعضای شرکت‌کننده و نماینده انجمن در سمینار و مسئولان کانونهای ناشنوایان سراسر کشور در اردیبهشت ۱۳۸۲ در اصفهان، تشکیل شد. از دیگر عملکردهای این انجمن موارد زیر است:

برگزاری مسابقات فوتبال داخل سالن جام انجمن جوانان با شرکت پنجاه تن از جوانان در قالب شش تیم؛ ایجاد امکان دیدار دوستان و همکلاسان ناشنوا با شرکت و حضور در دفتر انجمن برای استفاده از نظریات همدیگر با تأکید بر اجتماعی بودن انسان؛ تشکیل جلسات رسمی با مسئولان نهادها و سازمانها و شخصیتهای اجتماعی- فرهنگی (سازمان ملی جوانان، سازمان بهزیستی، خیریه‌ها، دفتر نمایندگان مجلس، کانونهای ناشنوایان، مجتمعهای توان‌بخشی، مدرسه‌های استثنایی و...).

انجمن خانواده‌های ناشنوایان ایران

قبل از تأسیس انجمن، خانواده‌های ناشنوا مکان مناسبی نداشتند که بتوانند همانند مردم عادی از امکانات اجتماعی، تفریحی، فرهنگی و... به صورت فردی و گروهی بهره‌مند شوند و علاوه بر این نبود مکانی مناسب برای فعالیت بانوان ناشنوا که از نظر اجتماعی با محرومیت بیشتری مواجه بودند و همچنین مسائل و عوامل مختلف مربوط به ناشنوایان، زمینه را برای تأسیس انجمن خانواده ناشنوایان ایران فراهم ساخت.

این انجمن با پیشنهاد گروهی از خانواده‌های ناشنوا و حمایت سرکار خانم ثمینه باغچه‌بان دختر گرانقدر زنده یاد استاد جبار باغچه‌بان مدیر عامل وقت سازمان ملی رفاه ناشنوایان (انجمن خانواده ناشنوایان ایران) بنیان نهاده شد و مورد استقبال پرشور کلیه خانواده‌های ناشنوا قرار گرفت.

اساسنامه این انجمن پس از بحث و تبادل، به اتفاق آرا به تصویب و سپس به معرفی و انتخاب اعضای هیئت مدیره پرداخت، که با اکثریت آرا آقایان: سید رضا قلی شهیدی، حسن تقوی و خانم نسرين ظلی به عنوان اعضای هیئت مدیره انجمن برگزیده شدند. بدین صورت انجمن به عنوان سازمان غیر دولتی، غیر سیاسی، غیر انتفاعی و عام‌المنفعه شکل گرفت و در اداره‌ی کل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری به شماره ۱۷۲۱ به ثبت رسید.

اولین جلسه مجمع عمومی انجمن خانواده ناشنوایان ایران در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱ با حضور اعضا و کلیه خانواده‌های ناشنوا (در حدود ۵۰ نفر) تشکیل گردید و اکنون بیش از ۴۰۰۰ نفر به عضویت پرداختند.

ثمینه باغچه‌بان درباره این انجمن چنین نوشته است:

تا سال ۱۳۵۰، خانواده‌های ناشنوایان، مکان مناسبی که بتوانند در آنجا گرد هم آیند، نداشتند و از امکان تفریح‌های سالم گروهی بهره‌مند نبودند. نبودن چنین مکانی به ویژه برای بانوان ناشنوا که از نظر اجتماعی محرومیت بیشتری داشتند، محسوس تر بود. سرانجام در این سال، انجمن خانواده‌های ناشنوا با حضور گروهی از مردان و زنان متأهل ناشنوا شکل گرفت.

این انجمن نیز چون خانه فرهنگی ناشنوایان از فروردین ماه ۱۳۵۲ تا آذر ماه ۱۳۵۳ در تالار اجتماعات مرکز آموزش حرفه‌ای ناشنوایان



۸. ایجاد شعبات و دفاتر نمایندگی در مراکز استان و شهرها به منظور اجرای اهداف و حمایت از افراد ناشنای محروم سراسر کشور.

(به امید پیشبرد اهداف ناشنویان)

کمیت‌های تحت پوشش انجمن:

۱. جوانان
۲. بزرگسالان
۳. بانوان
۴. خدمات رابطی
۵. نشریه آوای نگاه
۶. وب سایت
۷. هنری
۸. خدمات توان‌بخشی
۹. سلامت و پزشکی
۱۰. ورزشی
۱۱. مشاوره ازدواج و خانوادگی
۱۲. آموزشی
۱۳. پژوهشی زبان اشاره
۱۴. مذهبی
۱۵. امور خیریه

وب سایت: www.isdpf.ir

ایمیل: info@isdpf.ir

اعضای هیئت مدیره و بازرسان

* دوره اول:

بر اساس روزنامه رسمی کشور از تاریخ روزنامه ۹/۲/۵۱ شماره روزنامه ۰۹۱۱۱ ۰۱/۲۵/۲۳۳۵

بازرس اصلی: حسن تقوی

رئیس هیئت مدیره: رضا قلی شهیدی

خزانه دار: نسرین ظلی

بر اساس رؤیت مجوز فعالیت از تاریخ ۹/۲/۵۱ شماره مجوز ۶/۱۲۴۸

نام صدور مجوز: سازمان ثبت اسناد

بازرس اصلی: حسن تقوی

رئیس هیئت مدیره: رضا قلی شهیدی

خزانه دار: نسرین ظلی

* دوره هفدهم:

بر اساس روزنامه رسمی کشور

بازرس اصلی: رویه بابایی قرمز چشمه

بازرس علی البدل: نعمت اله ملکی

رئیس هیئت مدیره: رضا محمودی

نایب رئیس هیئت مدیره: حامد عابدین زاده

خزانه دار: محمدرضا تقوی

عضو اصلی هیئت مدیره: علیرضا حضرت قلی زاده

تشکیل جلسه می‌داد و از آن تاریخ به بعد به محل جدید خود در خیابان کاخ جنوبی انتقال یافت.

اعضای انجمن، مرکب از هشتاد نفر یا چهل خانواده است که هر عضو، ماهیانه پنجاه ریال به عنوان حق عضویت می‌پردازد. درآمد انجمن از محل حق عضویت افراد و مدد مالی سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران، تأمین می‌شد و به مصرف اجاره محل و خرید لوازم و وسایل انجمن می‌رسید (بهره ناشنویان، ص ۱۱۷).

اهداف انجمن

به طور خلاصه اهداف تأسیس انجمن خانواده ناشنویان به شرح ذیل است:

۱. کوشش در جهت بالا بردن سطح فرهنگ و بینش اسلامی و احیای حقوق شهروندی افراد ناشنوا.
۲. تلاش در جهت بر خورداری افراد ناشنوا از امکانات تکنولوژی پیشرفته و تحقق اصل تساوی با افراد جامعه در همه زمینه‌ها از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت، درمان، بیمه و سایر موارد توان‌بخشی و توانمندسازی در کلیه شئون اجتماعی.
۳. آموزش نیروی انسانی مرتبط به امور ناشنویان با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط.
۴. برگزاری همایش‌های علمی و اردوهای تفریحی، سیاحتی، زیارتی و گردشگری جهت آشنا ساختن افراد ناشنوا با فرهنگ مردم درون و برون مرزی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.
۵. توسعه ارتباطات علمی و فرهنگی با سازمان‌های غیردولتی ناشنویان جهان و خصوصاً فدراسیون جهانی ناشنویان.
۶. ارائه آموزش‌های ازدواج، پیشگیری و مشاوره خانواده به افراد ناشنوا با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط.
۷. تأسیس بانک اطلاعاتی، ایجاد شرکت‌های تعاونی چند منظوره (اشتغال‌زایی)، تهیه سایت روزآمد و نشریه انجمن، ایجاد نمایشگاه‌های در ارتباط با دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری و ارائه طرح‌های خدمات توان‌بخشی ناشنویان پس از هماهنگی با سازمان‌های ذی‌ربط.
۸. ایجاد کمیته‌های مختلف زیر نظر انجمن و تلاش و برنامه‌ریزی در جهت تأمین منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن.

روش اجرایی اهداف:

۱. تهیه آمار و جمع‌آوری اطلاعات در همه زمینه‌ها از افراد ناشنوا (بانک اطلاعات).
۲. مشارکت و همکاری در گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، آموزشی، هنری و غیره.
۳. ایجاد سایت روزآمد و فراگیر به عنوان منبع اطلاعاتی انجمن و داشتن فصلنامه خبری، فرهنگی، هنری و آموزشی پس از کسب مجوز از مراجع ذیصلاح.
۴. تعامل، همکاری و ارتباط مستمر با شعبات انجمن‌های خانواده ناشنویان سراسر کشور در جهت کمک به افزایش دانش و مهارت، اطلاع‌رسانی و برگزاری همایش سالیانه و آموزش مدیریت در جهت بهبودی وضعیت انجمن‌ها.
۵. ایجاد تفاهم و وحدت و همکاری بین تشکل‌های فعال غیردولتی در سطح منطقه و بین‌المللی به منظور تبادل اطلاعات و استفاده از تجربیات مشترک و عضویت در آن‌ها.
۶. همکاری و تفاهم کامل با سازمان بهزیستی کشور و استان‌ها در جهت توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و تحقق زندگی بهتر برای قشر ناشنوا.
۷. فراهم ساختن شرایط و بهره‌گیری بهینه از امکانات و تلاش در جهت افزایش و تقویت منابع مالی در راستای اهداف مورد نظر انجمن.

عضو اصلی هیئت مدیره: بهنام حائری هولیق
مدیرعامل: اکرم سلیمی ساریقه
عضو علی‌البدل هیئت مدیره: علی اکبر رحیمی یزدی
عضو علی‌البدل هیئت مدیره: بهرام جامه باف^۱

انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق

این انجمن، در دهه چهل شمسی در تهران و به دست چند نفر از ناشنوایان تحصیل کرده و فعال تأسیس شد و محل آن در فرهنگسرای پارک شفق است. این انجمن در دوره حیات خود فعالیتهای بسیاری داشته که از جمله آنها برگزاری سمینارهایی درباره مسائل ناشنوایان، انتشار مجله و تشکیل کلاسهای تقویتی زبان فارسی برای ناشنوایان است. محرومیت‌های ناشی از ناشنوایی و نیاز مضاعف این قشر برای ارتقای ارتباطات اجتماعی، همچنین ضرورت کنترل رفتارها و ارتباطات تا مرحله نهادینه شدن، اصلی‌ترین هدف از تأسیس این انجمن بوده است. وجود این انجمن، پارک شفق را به محل تجمع و دیدار نوجوانان و جوانان ناشنوا تبدیل کرده است. رفتارهای نامناسب معدودی ناشنوا در این تجمع، انتقاداتی را برانگیخته و تا حد مخالفت با اصل تشکیل این انجمن پیش رفته است. ساختار اجتماعی شهر تهران و ساز و کار روابط اجتماعی و مشکلات ناشی از آن مسئولان انجمن را وا داشت تا با تدبیرهای کارشناسی شده از فضا و امکانات پارک شفق استفاده بهتری کنند. آنها، همچنین از اولیای ناشنوایان برای پیشبرد اهداف انجمن، دعوت به همکاری و کمک کرده‌اند.^۲

اندرزگاه مادر

کودک ناشنوا نیز چون خواهر و برادر شنوای خود نیازمند آن است که مادر با او حرف بزند و به او حرف زدن بیاموزد؛ زیرا سن و سال شیرخوارگی و خردسالی از نظر زبان‌آموزی مهمترین سالهای زندگی انسان است. بر اساس این حقیقت علمی کوشش می‌شود که هر چه زودتر و هر چه بیشتر افراد خانواده مخصوصاً مادر طفل ناشنوا برای آموختن زبان و تلفظ لب‌خوانی به کودک خود و تربیت شنوایی او آماده شوند. باز به دلیل امکان آغاز هر چه زودتر این خدمات است که تشخیص ناشنوایی طفل و میزان و نوع آن اهمیت خاص می‌یابد.

از سال ۱۳۵۰ سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران، در تهران این امکان را برای گروهی از مادران که کودکان ناشنوا داشتند، فراهم آورد و اندرزگاه مادر را تأسیس کرد. اندرزگاه مادر وابسته به کلینیک شنوایی و گفتار سازمان رفاه ناشنوایان بود و کودکانی که از طریق بخش مددکاری معرفی می‌شدند با برنامه‌ای خاص در مدتی که با نظر مسئولان معین می‌شد صبحها با مادر خود به اندرزگاه می‌آمدند. در آنجا مادران با کسانی که درد آنان را خوب می‌دانستند - حتی بعضی از این متخصصان خود کودکانی ناشنوا داشتند - روبرو می‌شدند. در محیط گرم و دوستانه اندرزگاه نه تنها این مادران اصول زبان‌آموزی و طرز رفتار و گفتار با کودک خود را فرا می‌گرفتند و تمرین می‌کردند، بلکه به مقدار بسیاری از تشویش و رنجهای روحی آنان نیز که به سبب داشتن نوزادی ناشنوا به وجود آمده است کاسته می‌شد. هر ماه یک بار شبها در اندرزگاه مادر یک مهمانی کوچک برای مادران و پدران و

مخصوصاً خواهران و برادران اطفال ناشنوا ترتیب داده می‌شد. در این جمع پدران و مادران این کودکان دشواریهای خود را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. مددکاران اجتماعی می‌کوشیدند تا در حل مشکلاتی که این افراد دارند همکاری کنند. فیلمهایی که اغلب از خارج به این منظور وارد می‌شد یا فیلمهای ایرانی که در تهران به تدریج تهیه شده بود نشان داده می‌شد. در اینجا خواهران و برادران کودکان ناشنوا که می‌توانند مربی رایگان و خوبی برای کودکان خردسال ناشنوا باشند تشویق می‌شدند که با کودکان ناشنوا بازی کنند، آنها را بشناسند و برای آنان مفید باشند. این جلسها برای حل دشواریهای پنهانی و آشکار زوجهای جوانی که در آغاز کار از داشتن یک فرزند ناشنوا با دشواریهای عاطفی یا رفتاری طرف مقابل روبرو می‌شدند بسیار مفید بود. ضمن گفت‌وگو درباره علل ناشنوایی، پدران و مادران جوان به طور غیر مستقیم می‌دیدند که آنان چندان مسئول ناشنوایی فرزندانشان نیستند و از سوی دیگر اگر با توجه به پرونده بهداشتی کودک مشاهده شود که کری طفل ممکن است حاصل همخونی یا موروثی بودن کری از جانب پدر و مادر باشد با اجرای برنامه تنظیم خانواده که با همکاری سازمان رفاه خانواده اجرا می‌شد، این زوجها تشویق می‌شدند که صاحب فرزندان دیگری نشوند.^۱

جمعیت اولیای ناشنوایان

این جمعیت به همت عده‌ای از اولیا و مربیان اطفال ناشنوا در مرداد ماه ۱۳۷۰ تأسیس شد. البته پیش از ثبت رسمی نیز فعالیتهایی داشت. در بیستم فروردین ۱۳۷۱ سندی را با عنوان منشور جمعیت اولیای ناشنوایان تصویب کرد که در تاریخ ناشنوایان کشور ایران، نخستین سند شرکت اولیای اطفال ناشنوا در امور مربوط به ناشنوایان است. پس از ثبت عنوان رسمی این جمعیت، با وجود استقبال عمومی اولیا، فعالیت این جمعیت گاهی دچار اختلال نیز شده است. همانند این جمعیت از نظر سازمان و خطمشی، انجمن خانواده ناشنوایان است که سازمان خدماتی است و بیشتر جوانان ناشنوا در آن فعالیت دارند.^۲

جمعیت حمایت کودکان کرولال

جمعیت حمایت کودکان کرولال و نابینا، در یکم تیرماه ۱۳۲۳ در شهر تهران و با هدف آموزش و پرورش کودکان کرولال و نابینا و آموزش صنعت به آنان، به همت جبار باغچه‌بان تأسیس شد. همچنین، تصمیم گرفته شد تا زمان تهیه تجهیزات لازم برای آموزش نابینایان، تنها به آموزش کرولالها پرداخته، نام جمعیت حمایت کودکان کرولال برای آن برگزیده شد. اساسنامه این جمعیت، با حضور مؤسسان، که بیش از شصت تن از علاقه‌مندان پیشبرد این هدف بودند و بنا به دعوت جبار باغچه‌بان در دبستان کرولالها گرد هم آمده بودند، در دوازده ماده و پنج تبصره به تصویب رسید و با توجه به پیشگامی باغچه‌بان در آموزش و پرورش کودکان کرولال در ایران، و تخصص وی در این زمینه به صورت مادام‌العمر، به سمت مدیر فنی جمعیت انتخاب شد.

هدف جمعیت در ماده سوم تشریح شده که بدین صورت است: تربیت آموزگاران متخصص در تعلیم این نوع کودکان، تهیه کتابهای ویژه برای آموزش ناشنوایان، تهیه بنای مناسب برای محل دبستان ناشنوایان، ایجاد شعب صنعتی در دبستان، تأسیس قسمت شبانه‌روزی برای

۱. باغچه‌بان، ثمینه، بهره ناشنوایان، تهران، امیرکبیر، بی‌تا.

۲. باغچه‌بان، ثمینه، بهره ناشنوایان، پاکزاد، محمود، میاهو در دنیای سکوت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶.



کارگاه تهیه ویدئوی آموزشی ویژه دانش‌آموزان در آموزشگاه کربلای باغچه بان

شماره دو باغچه‌بان را تأسیس کرد که این مدرسه شاگردانی در سطوح آمادگی و دبستان داشت.

همچنین، جمعیت برای گسترش خدمات آموزشی خود به شاگردان ناشنای بااستعداد و مستمند که در تهران یا شهرستانها مشغول تحصیل هستند هزینه تحصیلی پرداخت می‌کرد.

همچنین در ۱۳۴۴، جمعیت حمایت کودکان کربلای با توجه به لزوم فراهم ساختن خدمات درمانی برای تشخیص، پیشگیری و مداوا در دو اتاق کوچک آموزشگاه کربلای باغچه‌بان، درمانگاهی دایر کرد که خدمات بسیار مفید ارائه می‌کرد. در ۱۳۴۷، به دستور مقامات بالای دولتی از سوی وزارت آموزش و پرورش، پانصد متر زمین مجاور آموزشگاه به جمعیت واگذار گردید. این جمعیت با یارمندی خیران و بانکها به ویژه حمایت بانک مرکزی ایران، موفق به ساختن یک درمانگاه کوچک با تجهیزات کامل شد. این درمانگاه شامل اتاقهای پذیرش بیمار، معاینه پزشکی، آزمایشهای مقدماتی، شنوایی‌سنجی، اصلاح تلفظ و بخش تعمیر سمعک بود. خدمات این درمانگاه، رایگان و از نظر فنی مورد تأیید مقامهای با صلاحیت داخلی و خارجی بود. این جمعیت همچنین مخارج عمل جراحی کودکان ناشنای مستمند را پرداخت می‌کرد.

جمعیت حمایت کودکان کربلای ایران، از سال ۱۳۳۶ عضو کنگره جهانی ناشنویان شد و همه ساله برای شرکت در این کنگره نمایندگانی می‌فرستاد. نمایندگان این جمعیت با شرکت فعال در کنگره‌های جهانی ناشنویان در راه معرفی پیشرفتهای ایران در زمینه روشها و خدمات آموزشی و رفاهی ناشنویان بسیار کوشیدند و با استفاده از این فرصتها با آخرین پیشرفتهای جهانی در زمینه‌های مختلف آشنا می‌شدند.

درآمد جمعیت، از محل عضویت و یاری خیران و یارمندی بانکها و حمایت مستمر جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تأمین می‌شد که از سال ۱۳۵۳ به سه هزار تومان در ماه افزایش یافت.

یکی از کسانی که برای این جمعیت فعالانه تلاش کرد، خسرو گیتی است. او متولد ۲۷ فروردین ۱۳۰۵ در تهران، دارای مدرک دکتری در علوم سیاسی، معاون اسبق وزارت دادگستری و قاضی بازنشسته است. وی دو فرزند پسر دارد و از زمانی که در هشت ماهگی فرزندش دریافت که او ناشنواست، به دنیای ناشنویان وارد و از نزدیک با مشکلات آنان آشنا شد.^۱

سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران

این سازمان، در شهریور ماه ۱۳۵۰ در وزارت کار و امور اجتماعی

۱. باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنویان، ص ۱۱۳-۱۱۰.

کودکان، شهریه‌ای و رایگان.

از نظر زمان انجام کار، خدمات این جمعیت را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

دوره اول، از آغاز تا ۱۳۳۸: در مدت شانزده سال اول، هیئت مدیره جمعیت حمایت کودکان کربلای، موفق شد با استفاده از حمایت مادی و معنوی، در زمینی که از طرف کمیسیون اراضی یوسف آباد در اختیار این جمعیت گذاشته شده بود، نخستین مدرسه کربلای را در ایران بسازد.

این ساختمان در ۱۳۳۶ افتتاح گردید و از آن تاریخ، بنا بر تقاضای ریاست عالی این جمعیت، مقرر شد که مبلغ هزار تومان که از ۱۳۳۲ برای تربیت معلم کودکان کربلای به این جمعیت پرداخت می‌شد، به پنج هزار تومان در ماه افزایش یابد.

هر چند منظور جمعیت از ساختن این مدرسه، ایجاد آموزشگاه شبانه‌روزی برای کودکان کربلای نیز بود، ولی با توجه به تنگی مکان و دشواریهای شبانه‌روزی، صلاح در این دیده شد که دو اتاق خواب نیز به کلاس درس تبدیل شود. بدین ترتیب مدرسه دارای پنج کلاس شد.

دوره دوم، از ۱۳۳۸ تا کنون: در جلسه‌ای که در مهرماه ۱۳۳۸ در محل جدید دبستان کربلای تشکیل شد، هیئت مدیره استعفا داد و افراد جدیدی انتخاب شدند که با جدیت فوق‌العاده برای به ثمر رسانیدن پنج هدف اصلی جمعیت، اقدامهای زیر را انجام دادند:

تربیت آموزگاران متخصص: هیئت مدیره جدید از آغاز فعالیت خود، با توجه به لزوم گسترش خدمات آموزشی ناشنویان در تهران و شهرستانها، کوشش خود را به گسترش برنامه تربیت معلم معطوف داشت و برای رسیدن به این امر، مقرر شد در هر کلاس افزون بر معلم، یک کمک آموزگار نیز تعیین شود تا هم از بار معلم مسئول - که تدریس بین هشت تا ده شاگرد ناشنوا را برعهده داشت - کاسته شود و هم این‌گونه آموزگاران، کارآموزی کرده آماده تدریس شوند. افزون بر کارروزی در کلاسها و تمرینهای عملی برای بالا بردن سطح معلومات تخصصی این کارآموزان، درسهای نظری نیز از سوی متخصصان به این گروه تدریس می‌شد. در این برنامه مربیان کودکان، آموزگاران دبستان و دبیران دبیرستان کارروزی می‌کردند.

در پایان دو سال کارآموزی به این کارآموزان گواهینامه مخصوص معلمان کربلای داده می‌شد که ۱۵۲ نفر موفق به گرفتن این گواهینامه شدند. این افراد در مدارس ناشنویان تهران و شهرستانها یا کلاسهای اکابر و مدارس حرفه‌ای ناشنویان مشغول تدریس یا در مقام مدیر، کارشناس و کارمند اداری مشغول خدمت به ناشنویان بودند.

همچنین این جمعیت با حمایت از آموزشگاه کربلای باغچه‌بان و ایجاد دبستان باغچه‌بان شماره دو زمینه لازم را برای پرورش کلیه معلمان کشور فراهم ساخت و همه ساله گروه بسیاری از معلمان ناشنویان که از طرف دفتر امور کودکان استثنایی معرفی می‌شدند در این دو مؤسسه با استفاده از بهترین وسایل با روشهای جدید آموزش آشنا می‌شدند.

تدوین متون آموزشی: جمعیت می‌کوشید با تشویق معلمان، موجبات تهیه کتابهای ویژه ناشنویان و ساده کردن کتابهای درسی را برای استفاده ناشنویان فراهم سازد. این جمعیت همچنین با چاپ و توزیع رایگان نشریه‌های ساده در روشن کردن افکار عمومی و راهنمایی پدران و مادران گام برمی‌داشت.

تهیه ساختمان برای دبستان و درمانگاه: با توجه به افزایش مراجعه‌کنندگان در ۱۳۴۷، جمعیت در جنوب شرقی تهران دبستان

تأسیس شد. در ۱۳۵۳ پس از تأسیس وزارت رفاه اجتماعی، وابسته به این وزارتخانه شد.

گسترش فعالیتها در همه ایران: این سازمان در شهرها و استانها، شعبه‌هایی دایر کرد و از این طریق در صدد پوشش دادن به همه ناشنوایان در تمامی ایران برآمد.

در سال ۱۳۵۳ در اصفهان، شعبه سازمان رفاه ناشنوایان فعالیت خود را با شمار اندکی دختر و پسر ناشنوا آغاز کرد که در سطح سنی‌ای بودند که آموزش و پرورش آنان را نمی‌پذیرفت. البته خدمات فرهنگی و اجتماعی ناشنوایی در این استان پیشینه داشت و حسین گلپیدی از ۱۳۵۰ آموزش و پرورش ناشنوایان را آغاز کرده بود. از این رو با شکل‌گیری سازمان ملی رفاه ناشنوایان در این شهر، به سرعت توسعه یافت. گویا نام شعبه اصفهان این سازمان، مرکز رفاه ناشنوایان بوده است.

تحولات اخیر: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری سازمان بهزیستی، سازمان رفاه هم زیر مجموعه آن شد و ساختار اداری آن در سازمان بهزیستی ادغام شد و در واقع، به کار سازمان رفاه، به عنوان یک واحد اداری مستقل، پایان داده شد.^۱

شرکت تعاونی مصرف ناشنوایان

این مرکز در مهرماه ۱۳۵۴، برای تأمین رفاه بیشتر و افزایش درآمد ناشنوایان، همچنین اشتغال آنان، تأسیس شد.

بدین منظور، با مشورت وزارت تعاون و امور روستاها و وزارت کار و امور اجتماعی، اساسنامه این شرکت تنظیم گردید و در بین کلیه مراکز آموزشی و کارکنان سازمان ملی رفاه ناشنوایان توزیع شد و از آنان برای عضویت و خرید سهام دعوت شد. این دعوت مورد استقبال ناشنوایان قرار گرفت. نخستین جلسه مجمع عمومی شرکت در نوزدهم آذرماه ۱۳۵۴ تشکیل گردید و درباره تصویب اساسنامه و انتخاب مدیران و بازرسان و اعضای علی‌البدل تصمیم‌هایی گرفته شد. این نخستین گام در راه خودیاری ناشنوایان بود.^۲

غرفه ناشنوایان

مرکز رفاهی و فروشگاهی برای تأمین نیازهای ناشنوایان در ایران تأسیس شد. غرفه‌ای وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان که در ۱۳۵۴ در تهران تأسیس شد. سازمان رفاه ناشنوایان، با جلب همکاری مدیر عامل سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا موفق شد غرفه‌ای در فروشگاه مرکزی آن سازمان برای مصنوعات خود ایجاد کند. در این غرفه، مصنوعات دو آموزشگاه حرفه‌ای تهران و کارگاه حمایت شده مشهد به فروش می‌رسید.

افزون بر کارگاههای حمایت شده و مرکزهای آموزش حرفه‌ای که مستقیم زیر نظر سازمان رفاه ناشنوایان اداره می‌شد، گروهی از ناشنوایان برای آموزش حرفه‌هایی که سازمان قادر به آموزش آنها نبود، به بخشهای حرفه‌آموزی و آموزش کشاورزی وابسته به انجمن توان‌بخشی معرفی می‌شدند.

در نیمه دوم ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ که هنوز سازمان رفاه ناشنوایان، کارگاه آموزشگاه حرفه‌ای خود را دایر نکرده بود، هشتاد ناشنوا را برای کارآموزی به کارگاه کورس معرفی کرد. بیشتر این عده، ناشنوایان باسادی بودند که پس از پایان تحصیل، به علت نداشتن حرفه‌ای در

شهر سرگردان بودند. اینان با موفقیت تمام دوره‌های حرفه‌ای کارگاه کورس را تمام کردند و جذب بازار شدند. گاه تولیدات آنان در غرفه ناشنوایان به فروش می‌رسید. در ۱۳۵۲ پانزده نفر و در ۱۳۵۳ پانزده نفر و تا آخر دی‌ماه ۱۳۵۴ یازده نفر از ناشنوایان با سواد برای گذراندن دوره‌های مونتاژ رادیو و تلویزیون و جوشکاری و تراشکاری به کارگاه کورس معرفی شدند. اینان آمادگی لازم برای تولید پیدا می‌کردند و تولیدات آنها غرفه فوق عرضه می‌شد.

در سالهای بعد، شماری از ناشنوایان شهرستانها و روستاها برای آموزش کشاورزی به بخش کشاورزی انجمن توان‌بخشی معرفی شدند و پس از گذراندن دوره‌های آموزشی و توجیهی، جذب پروژه‌های تولیدی می‌شدند. و کالاهای تولیدی آنان بر رونق غرفه می‌افزود. از این رو، غرفه ناشنوایان محلی برای فروش کالاهای تولید شده ناشنوایان در مراکز فوق و همچنین آشنایی جامعه با ابتکارات و نوآوریها و دستاوردهای آنان بود.^۱

فرانک

مرکز فرانک مشهور به فرانک به ارائه خدمات توان‌بخشی و مشاوره برای کودکان کم شنوا می‌پردازد.

تاریخچه

انجمن گفتار نشانه دار زبان فارسی در سال ۱۳۸۸ به همت دکتر گیتا موللی (تدوین کننده گفتار نشانه‌دار زبان فارسی) شروع به کار کرد. واحد پژوهشی گفتار نشانه دار در مرکز «تحقیقات توانبخشی اعصاب و اطفال دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی» نیز کار خود را از سال ۱۳۹۰ آغاز کرد و اکنون این دو مرکز زیر نظر دکتر موللی همکاری تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

اهداف

• آموزش

- ارائه اطلاعات مورد نیاز کارشناسان، مربیان و والدین جهت استفاده از گفتار نشانه دار به عنوان یک روش ارتباطی برای کودکان ناشنوا / کم شنوا.

- ارائه نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌ها و مقالات، کتب و بروشورهای مفید پیرامون گفتار نشانه‌دار جهت استفاده دانشجویان، کارشناسان و پژوهشگران

- ارائه اخبار سمینارها، کارگاهها و دوره‌های آموزشی برای علاقمندان

• ترویج استفاده از گفتار نشانه دار

- تشویق والدین و کارشناسان جهت استفاده از گفتار نشانه دار به منظور برقراری ارتباط، توسعه زبان و نیازهای آموزشی کودک ناشنوا و یا کم شنوا.

- ترویج ارائه کارگاهها و دوره‌های آموزشی جهت والدین و کارشناسان

- ترویج استفاده از گفتار نشانه دار در برنامه درسی مدارس، دانشگاهها و برنامه‌های آموزشی مربوط به کودکان دارای اختلالات شنوایی و یا ناشنوا.

• ارائه خدمات توانبخشی:

- حمایت از خانواده‌ها و کارشناسانی که از گفتار نشانه‌دار استفاده می‌کنند

• پژوهش

- اجرای طرحها و فراهم آوردن زمینه جهت اجرای پژوهش پیرامون گفتار نشانه دار.

۱. باغچه‌بان، ثمنه، بهره ناشنوایان، ص ۱۳۹-۱۳۸.

۱. دانشنامه ناشنوایان، ص ۷۱۲-۷۱۱.

۲. بهره ناشنوایان، ص ۱۴۴؛ دانشنامه ناشنوایان، ص ۷۸۱.

اقدامات انجام شده

- تهیه وب سایت گفتار نشانه دار فارسی (دوزبانه)
- ترجمه و تهیه بروشورهای آموزشی گفتار نشانه دار
- ترجمه و تولید فیلم‌های آموزشی گفتار نشانه دار
- تهیه کارت‌های آموزشی گفتار نشانه دار
- تهیه پوسترهای گفتار نشانه دار
- تهیه پاورپوینت‌های آموزشی گفتار نشانه دار
- تدوین دو کتاب گفتار نشانه دار فارسی و کتاب خود آموز گفتار نشانه دار به همراه فلش کارت‌های آموزشی (خودآموز)
- ارائه مقالات در سمینارها و کنگره‌های داخلی و خارجی (۱۵ مقاله)
- چاپ مقالات در مجلات علمی پژوهشی، و علمی ترویجی داخلی و خارجی
- برگزاری سمینار کودک کم شنوا و معرفی گفتار نشانه دار به کارشناسان و دست اندرکاران با ارائه ۵ مقاله، یک فیلم و یک پوستر، یک میزگرد تخصصی و دو کارگاه و ارائه نمایشگاهی از کارهای انجام شده .
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی گفتار نشانه دار
- تهیه مجله پروانه ها (ویژه سمینار کودک کم شنوا) باهدف معرفی گفتار نشانه دار به خانواده ها و خیرنامه الکترونیکی انجمن گفتار نشانه دار

اقدامات در دست اقدام

- گفتار نشانه دار زبان ترکی
- تهیه نرم فزار آموزشی گفتار نشانه دار
- آموزش گفتار نشانه دار انگلیسی به افراد کم شنوا به عنوان زبان دوم
- تهیه خودآموز گفتار نشانه دار انگلیسی
- آموزش گفتار نشانه دار به نمایندگان استان ها به منظور ترویج آن در سراسر کشور.

سخن آخر

گفتار نشانه دار یک سیستم کمکی است که از گفتار همراه با نشانه‌ها استفاده می‌کند تا هر یک از اصوات زبان گفتاری متفاوت از هم دیده شوند تا کودک کم شنوا بصورتی طبیعی زبان بیاموزد. از اینرو با گفتار نشانه دار به کودکان کم شنوا کمک می‌کنیم: بهتر بخوانند، بهتر بنویسند، بهتر صحبت کنند.

فرجام جام جم، مؤسسه فرهنگی و هنری

مرکزی غیردولتی و فعال در عرصه آموزش و پژوهش ناشنوایی در ایران است. این مؤسسه در ۱۳۸۱ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران تأسیس شد. مدیر آن، بهزاد اشتری، ناشنواست و سالها در عرصه آموزش و پرورش ناشنوایان فعالیت کرده است. هم اکنون چند تن از ناشنوایان در بخشهای مختلف این مؤسسه به کار مشغول‌اند. کسان دیگری نیز به دلیل تخصصهای ویژه در برخی پروژه‌های مؤسسه به کار جذب شده‌اند.

بهزاد اشتری (متولد ۱۳۴۷) دارای مدرک کاردانی برق و الکترونیک، از ۱۳۶۷ تا کنون در هنرستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی و نظام مافی مشغول تدریس است. او از ۱۳۸۱ در مؤسسه فرهنگی هنری فرجام جام جم به عنوان مدیر عامل مؤسسه فعالیت خود را آغاز کرده است. بخشی از فعالیت این مؤسسه، پژوهش در عرصه موضوعات ناشنوایان است. فقدان مرکزی که طرحهای تحقیقاتی مربوط به ناشنوایان را سامان دهد از یک سو، و از دیگر سو نیاز به انجام طرحهایی که با تخصص و کارشناسی بتواند راهکارهای مناسب برای برطرف کردن مشکلات ناشنوایان در اختیار مسئولان ایرانی قرار دهد، مدیریت

مؤسسه را به راهاندازی بخش پژوهش ترغیب کرد. هم اکنون در این بخش، چندین طرح، کارشناسی شده و مؤسسه به تدریج درصدد فراهم آوردن زمینه اجرای آنهاست.

این مؤسسه در رایزنیهای متعدد و مطالعات مختلف به این نتیجه رسیده است که اولویت با انجام پژوهشهای بنیادی، زیربنایی و مرجع در عرصه ناشنوایی است. از این رو، نخستین پروژه‌های که راهاندازی کرد، تدوین دانشنامه ناشنوایان (دانا) است. هزینه‌های انجام این طرح را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخته است.

اهداف این مؤسسه عبارت‌اند از: یاری ناشنوایان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری، آموزش ناشنوایان در مراحل مختلف، تا بتوانند عنصری فعال و پویا در سازندگی ایران باشند؛ مشاوره به ناشنوایان برای رفع مشکلات یا ارائه راهکارهای مناسب از سوی خود ناشنوایان تا موانع راه ترقی آنان زدوده شده و راه پیشرفت هموار گردد؛ ارتقای ذوق هنری و خلاقیت ذهنی و رشد قدرت ابتکار؛ جلب استعداد‌های ناشنوایان برای پژوهش در موضوعات گوناگون.

برای شناسایی بیشتر استعداد‌های ناشنوایان و تمرکز فعالیت‌های آنان، نخستین اولویت برای مدیریت مؤسسه برگزاری چند نمایشگاه بوده است. اولین نمایشگاه با موضوع کتاب، آثار هنری و محصولات فرهنگی ناشنوایان کشور را در ۱۳۸۱ در تهران ارائه کرد. بزرگداشت جبار باغچه‌بان، انگیزه اصلی برای برگزاری این نمایشگاه از سوی این مؤسسه بود.

این مؤسسه در عرصه آموزش نیز فعالیت‌هایی را آغاز کرده است. برای افزایش دانش و آگاهی و رشد مهارتهای حرفه‌ای ناشنوایان تا حدی که بتوانند در عرصه‌های اجتماعی و مشاغل مطلوب جامعه جذب شوند، هم اکنون نیز در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری کلاسهای آموزشی است.

کتابخانه و نگارخانه، امکان مناسبی برای ناشنوایان است تا از آخرین آثار علمی و ساخته‌های هنری آگاهی یابند. همچنین دیگران را با نمایش آثار خود، از خلاقیت هنری و علمی ناشنوایان آگاه سازند.

ایجاد زمینه‌های مناسب برای همکاری سازنده بین ناشنوایان در خطمشی مؤسسه گنجانده شده است. ناشنوایان هر چند از امکان طبیعی برای ارتباط محروم‌اند، ولی فرجام جام جم، با ایجاد همکاری و رابطه بین ناشنوایان، درصدد ترمیم این نقیصه و توسعه روابط عمومی ناشنوایان است. این مؤسسه برای ارتباط بیشتر با پژوهشگران، آموزگاران و دیگر علاقه‌مندان به فرهنگ ناشنوایی، پایگاهی در اینترنت ایجاد کرده است.^۱

این پایگاه در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد. در صفحه اول آن، خطمشی و اهداف مؤسسه فرجام جام جم تبیین شده و یاری ناشنوایان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری اصلی‌ترین هدف آن دانسته شده است. مقولاتی همچون: آموزش ناشنوایان در مقاطع مختلف؛ مشاوره به ناشنوایان برای رفع مشکلات یا ارائه راهکارهای مناسب از سوی خود ناشنوایان برای زدودن سدهای راه ترقی آنان؛ ارتقای ذوق هنری و خلاقیت ذهنی و رشد قدرت ابتکار و جذب استعداد‌های ناشنوایان برای پژوهش در دستور کار این مؤسسه است و بدون استفاده از ابزارهای مدرن، چون پایگاه اینترنتی دستیابی به این هدفها امکان‌پذیر نیست. از این رو این مؤسسه به تأسیس این سایت مبادرت ورزیده است. شاخه‌های سایت عبارت‌اند از: آموزش، پژوهش، ارتباطات، کتابخانه و نگارخانه، فعالیتها، سالن گفت‌وگو. هر کدام از این بخشها، فعالیت‌های مؤسسه در عرصه ناشنوایان را گزارش می‌کند.^۲

1. www.farjamejam.com

۲. شکست سکوت، ش ۹، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۵-۱۳.

کارگاه حمایت شده ناشنوایان

کانون کر و لال‌های ایران

پس از تعطیلی نخستین کانون کرولالها که در ۱۳۲۷ تأسیس شده بود، کانون دیگری به سال ۱۳۳۹، یعنی حدود یازده سال پس از تعطیلی کانون اول، به همت شادروان علی سرتیپی که خود ناشنوا بود تأسیس یافت. طبق اساسنامه برقراری ارتباط و اشتراک مساعی اجتماعی و احقاق حق و حمایت از منافع فردی و اجتماعی همه کران و لالان - اعم از کودک و زن و مرد - هدف این کانون بود. کانون کرولالهای ایران را خود کرولالها تشکیل داده و هیئت مدیره و همه اعضای اصلی آن جز دبیر، از ناشنوایان بودند و در ۱۳۵۴ طبق ماده پانزدهم اساسنامه، کانون اقدام به تأسیس یک صندوق تعاونی وابسته به این کانون نیز کرد. درآمد کانون کرولالهای ایران از مدد خرج دریافتی از سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران تأمین می‌شد.^۱

مرکز توان بخشی خانواده و کودک ناشنوا گویا

این مرکز که غیردولتی و دارای خط‌مشی آموزشی و توان بخشی برای خانواده و کودکان ناشنواست، در تیر ماه ۱۳۸۰ در شهر زاهدان پس از اخذ مجوز فعالیت از سازمان بهزیستی کشور راه‌اندازی گردید. مرکز غیردولتی آموزشی و توان بخشی خانواده و کودک ناشنوا، مؤسسه‌ای است برای ارائه خدمات توان بخشی به کودکان سنین زیر دبستانی که کمبود شنوایی آنها در اندازه‌های است که در یادگیری و به کارگیری گفتار و زبان دچار مشکلاتی شده‌اند و نیاز به خدمات تخصصی توان بخشی در این زمینه (زبان آموزی) دارند و همچنین ارائه خدمات مشاوره برای والدین کودکان ناشنوا کمتر از هفت سال است.

مجموعه اقدامات آموزشی و توان بخشی انجام شده در مرکز توان بخشی خانواده و کودک ناشنوا گویا عبارت‌اند از:

ارائه ابزارهای کمک شنوایی متناسب با ویژگیهای فردی و آسیب‌شناختی کودکان؛ راهنمایی و آموزش خانواده‌ها در چگونگی استفاده از ابزارهای کمک‌شنوایی مثل سمعک؛ مشاوره در جهت پیشگیری از افزایش مشکل در خانواده؛ آموزش برای آگاهی از اختلالات متعاقب کم‌شنوایی در کودکان؛ آموزش و توان بخشی کودکان شامل آموزش ارتباط کلی لب‌خوانی؛ زبان اشاره؛ تربیت شنیداری؛ اصلاح تلفظ و زبان؛ توسعه ارتباط زبانی و گفتاری با استفاده از روشهای خاص گفتاردرمانی متناسب با تواناییهای یادگیری کودکان ناشنوا؛ آموزش مهارتهای اجتماعی و رفتاری به کودکان ناشنوا شامل فراگیری آداب اجتماعی؛ بازی‌درمانی؛ مشاوره؛ روان‌شناسی و مددکاری برای کودکان و خانواده‌های آنان.

مرکز غیردولتی آموزشی و توان بخشی خانواده و کودک ناشنوا گویا، تنها مرکز غیردولتی در جنوب شرق کشور برای ارائه خدمات تخصصی به کودکان ناشنوا و کم‌شنواست. در این مرکز کودکان شش ماهه تا شش ساله تحت آموزش و توان بخشی قرار می‌گیرند. این مرکز وابسته به سازمان بهزیستی است و مسئولیت این مرکز را هم اکنون حسین خاکشور برعهده دارد.

در چند شهر، مراکزی با نام کارگاه حمایت شده ناشنوایان تأسیس شده بود تا ناشنوایان را در عرصه جامعه فعال‌تر سازند.

تهران: مرکز تهران، وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان بوده که در ۱۳۵۴، عملیات ساخت آن آغاز شد و در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ به بهره‌برداری رسید.

این مرکز حمایت شده شامل کارگاههای زیر بود: نساجی، سراجی، نجاری، هنرهای دستی، خیاطی (مردانه، زنانه، بچه‌گانه)، شیرینی‌پزی، تراشکاری، فلزکاری، جوشکاری. در این کارگاهها ناشنوایان زیر نظر مربیان مجرب، آموزش می‌دیدند.

یزد: کارگاه حمایت شده ناشنوایان یزد، وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران بود که در ۱۳۵۴ تأسیس شد. محل کارگاه یک خانه اجاره‌ای با ده اتاق و یک زیرزمین بود.

کارگاههای این مرکز عبارت بودند از: کارگاه خیاطی با هشت کارآموز ناشنوا دختر، کارگاه نجاری با چهار کارآموز پسر، کارگاه پارچه‌بافی با سه کارآموز پسر، کارگاه ویتراوی و کارهای دستی با سه کارآموز، یک دختر و دو پسر.

این مرکز، دو کلاس زبان‌آموزی و سوادآموزی نیز داشت که در آن آموزگاران که دوره آموزش ناشنوایان را دیده بودند، تدریس می‌کردند. کارآموزان ناشنوا این مر، از تغذیه رایگان و وسیله ایاب و ذهاب استفاده می‌کردند. از کلیه کارآموزان، سنجش شنوایی به عمل می‌آمد و به کسانی که به سمعک احتیاج داشتند، گوشی رایگان داده می‌شد. تمام کارآموزان تحت پوشش بیمه سازمان خدمات درمانی بودند.

همدان: کارگاه حمایت شده ناشنوایان همدان، وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران بود و در ۱۳۵۴ تأسیس شد. این کارگاه در یک خانه اجاره‌ای که دارای هفت اتاق و یک زیرزمین بود، از اول آبان ماه ۱۳۵۴ در همدان آغاز به کار کرد. در این کارگاه از صبح تا ظهر، چهارده کارآموز ناشنوا (نه دختر و پنج پسر) به حرفه‌آموزی اشتغال داشتند. همچنین دو کلاس سوادآموزی در ساعت‌های بعدازظهر تشکیل می‌شد که این کارآموزان و پنج نفر ناشنوا شاغل در آن به سوادآموزی می‌پرداختند.

آموزگاران این کلاسها از بین معلمانی که دوره آموزش ناشنوایان را دیده بودند انتخاب می‌شدند. کارگاههای این مرکز عبارت بودند از: کارگاه خیاطی و بافندگی با نه کارآموز دختر و کارگاه قالی‌بافی با پنج کارآموز پسر.^۱

کانون کر و لال‌ها

در ۱۳۲۷ جبار باغچه‌بان به فکر تأسیس کانونی برای کرولالها افتاد و بدین منظور گروهی از ناشنوایان را دعوت و به آنان پیشنهاد کرد کانونی که همه اعضای آن و همچنین هیئت مدیره آن ناشنوا باشند، تأسیس شود. این پیشنهاد مورد استقبال ناشنوایان قرار گرفت و به این ترتیب کانون کرولالها با همکاری گروهی از ناشنوایان و به سرپرستی رضاقلی شهیدی تأسیس شد و آغاز به کار کرد. ولی به علل دشواری‌های بسیار از جمله نداشتن مکان و درآمد پس از چند سال خدمت، کار این کانون متوقف شد.^۲

۱. باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنوایان، ص ۱۴۰-۱۳۹.

۲. باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنوایان، ص ۱۱۵؛ دانشنامه ناشنوایان، ص ۱۰۰.

۱. باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنوایان، ص ۱۱۶-۱۱۵؛ دانشنامه ناشنوایان، ص ۱۰۰.

مرکز شهید اژه‌ای

خدمات آموزشی: این مؤسسه در رشته‌های زیر اقدام به پذیرش کارآموز نموده و تاکنون تعداد ۷۹۰ نفر کارآموز دختر و پسر به مجتمع مراجعه و ثبت نام نموده و تعداد ۴۷۶ نفر آنها گواهینامه فنی و حرفه‌ای خود را دریافت داشته‌اند و در حال ادامه تحصیل می‌باشند.

کامپیوتر؛ ماشین‌نویسی و منشی‌گری؛ الکتروتنیک، سیم‌پیچی الکترو موتور و تعمیرات لوازم خانگی کوچک؛ نقشه‌کشی صنعتی و ساختمان؛ حسابداری؛ هنر، گرافیک، نقاشی و خوشنویسی.

خدمات توانبخشی: بخش‌های مختلف مثل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتار درمانی به توان‌یابان کمک می‌کند تا از تمامی تواناییهای بالقوه و فیزیکی خود حداکثر استفاده را نمایند. بخشهایی مثل گفتاردرمانی ویژه ناشنوایان است.

کمک‌های جانی: واحد مشاوره و مددکاری با توجه به اصول علمی به حل مشکلات فردی و خانوادگی از جمله ازدواج می‌پردازد. همچنین برگزاری اردوها و گردشهای علمی در سطح استان خراسان و بیرون از استان به منظور تقویت روحیه کارآموزان یکی از اهداف جدی مجتمع می‌باشد.

خدمات پزشکی: پزشکان داوطلب در زمینه‌های مختلف با اختصاص بخشی از اوقات خود به طور رایگان در محل مجتمع و در صورت نیاز در مطب خصوصی خود به مداوای کارآموزان توان‌یاب می‌پردازند.

ورزش: گروه‌های ورزشی در رشته‌هایی مانند شنا، تنیس روی میز، والیبال نشسته، دو میدانی در مؤسسه با توجه به علاقه و امکانات توان‌یابان کارآموز تشکیل شده و ضمن تمرینات هفتگی خود را برای مسابقات آماده می‌نمایند.^۱

مؤسسه حمایت از افراد کم‌شنوا

پس از تعطیل فعالیت جمعیت اولیای ناشنوایان در ۱۳۷۶، گروهی از اولیای اطفال شنوا، مؤسسه حمایت از افراد کم‌شنوا را تأسیس کردند. اعضای این گروه برای آموزش فرزندان خود، مدارس عادی را برگزیده‌اند. از جمله فعالیت این مرکز، دیدارها و گفت‌وگوهای اولیا همراه با فرزندان‌شان بر طبق برنامه‌های منظم، گردش و برگزاری اردو در روزهای جمعه است.^۲



شاگردان کلاس اول دبستان پرورش ناشنوایان

۱. شکست سکوت، ش ۳ و ۲، پاییز ۱۳۸۱، ص ۴۶-۴۷؛ دانشنامه ناشنوایان، ص ۱۲۱۱-۱۲۱۰.

۲. پاکزاد، محمود، هیاهو در دنیای سکوت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶.

این مرکز، با هدف خدمات‌رسانی آموزشی به ناشنوایان در اصفهان تأسیس شد؛ و گلپیدی به عنوان بنیانگذار آموزش ناشنوایان در اصفهان زمینه‌های اولیه برای اجرای برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی ناشنوایان اصفهان را فراهم آورده است. پس از او در ۱۳۵۳ مرکزی با نام مرکز رفاه ناشنوایان که وابسته به مرکز رفاه ناشنوایان تهران بود و از بودجه مجتمع باغچه‌بان تأمین هزینه می‌کرد، تأسیس شد. این مرکز کار خود را با شمار اندکی دختر و پسر ناشنوا که از نظر سنی اداره آموزش و پرورش آنان را نمی‌پذیرفت، آغاز کرد.

در ۱۳۶۰ سازمان بهزیستی متولی امور ناشنوایان شد و سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران زیر مجموعه آن شد. این سازمان در آن هنگام نزدیک به چهارده مددجوی پسر و دختر جوان در حال سوادآموزی تا پنجم ابتدایی در اختیار داشت؛ آنان در کنار تحصیل، حرفه‌های مختلفی چون نجاری و خیاطی را نیز می‌آموختند. این مرکز با عنوان مرکز شهید اژه‌ای، در خیابان آیت‌الله کاشانی به فعالیت خود ادامه داد. در ۱۳۶۱ شمار مددجویان به ۱۳۰ تن افزایش یافت.

در سالهای بعد به دلیل انبوه و کثرت دانش‌آموزان دختر و پسر، امکان مدیریت آنها در یک مکان وجود نداشت؛ از این رو دختران به یک مرکز تازه تأسیس به نام مرکز حضرت زینب انتقال داده شدند و پسران در مرکز شهید اژه‌ای ماندند.^۱

مؤسسه توان‌یابان مشهد

این مؤسسه را چند تن از خیرین فعال مشهد تأسیس کردند. آنان پس از بازدید از مؤسسه آموزشی نیکوکاری رعد در تهران در مرداد ماه ۱۳۷۷ و گفتگو با مسئولان آنجا تصمیم گرفتند مرکز مشابهی با اهداف آموزشی و توانبخشی رایگان برای توان‌یابان (معلولان) از جمله ناشنوایان ایجاد نمایند.

توان‌یاب واژه جدید و معادل کلمه معلول است. در نگاه این مؤسسه توان‌یاب فردی است که می‌تواند با الهام از شعارهای مؤسسه راه را برای رسیدن به آینده هموار سازد.

دختران و پسران زیر نظر مدرسان ویژه به فراگیری رشته‌های مورد علاقه خود مشغولند. کارآموزان مؤسسه پس از کسب مهارتهای فنی در آزمونهای سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان شرکت کرده و در صورت کسب موفقیت، به آنها مدارک معتبر رسمی اعطا می‌گردد. **اهداف:** این مجتمع دستیابی به اهداف زیر را سرلوحه کارش قرار داده است.

الف. قادرسازی: آموزش توان‌یابان در رشته‌های متناسب با میزان تحصیلات و وضعیت جسمی آنان. کلیه خدمات آموزشی و توانبخشی رایگان ارائه می‌گردد؛ زیرا بودجه مؤسسه از امکانات مردمی تأمین می‌شود و این مؤسسه هیچ گونه بودجه دولتی دریافت نمی‌کند.

ب. اشتغال: مسئولان مجتمع اعتقاد دارند شغل و کار شرافتمندانه علاوه بر اینکه سبب استقلال فرد و بازسازی شخصیت او می‌گردد باعث ایجاد اعتماد به نفس و احساس امنیت خاطر او نیز می‌شود و در نهایت احساس توانایی بدون اتکا به دیگران را به او می‌بخشد و احساس رضایتمندی را در وجودش ایجاد می‌نماید.

۱. دانشنامه ناشنوایان، ص ۱۱۸۳.